فصلنامه مطالعات حقوق
Journal of Legal Studies
شماره بیست و هشتم. زمستان ۱۳۹۷، صص۲۲۳-۲۰۹ Vol 3. No 28. 2019, p 209-223
شماره شاپا (۲۵۳۸-۶۳۹۵) ISSN: (2538-6395)

بررسی تاثیر اشتباه طرفین معامله بر تعهدات در حقوق ایران

محسن عسگری
دانشجوی دکترا حقوق خصوصی

چکیده

انسان موجودی اجتماعی است وروابط گوناگون افراد با یکدیگر ازعناصر سازنده هر اجتماعی است. لازمه برطرف ساختن نیازهای معیشتی افرادجامعه، برقراری روابط قراردادی وکوشش در جهت استحکام این روابط است، بنابراین ضرورت وجود نظم تجاری اجتماع و استواری معاملات و قراردادهایی که افراد جامعه منعقد می‌سازند، ایجاب می‌کند که تا حد ممکن از مخدوش‌شدن و تزلزل عقود جلوگیری شود. از طرف دیگر رعایت حقوق افراد سازنده اجتماع و همچنین توجه به اصول و ارکان تشکیل دهنده قراردادها و نیز حکم عقل و منطق حاکم بر جزء جزء روابط تجاری، دو مصلحت را در تضاد و تعارض با یکدیگر قرارمی‌دهد: مصلحت لزوم حفظ روابط قراردادی و مصلحت حفظ حقوق افراد وعناصر تشکیل‌دهنده عقود. سئوالی که در تعارض این دومنفعت به ذهن می‌رسد، این است که کدام را باید ترجیح داد و چرا وظیفه حقوقدان، آشتی دادن این دو منفعت تاحد ممکن و انتخاب مصلحت ارجح درصورت عدم امکان اجرای هر دوست. ازطرفی برقراری اصولی که در جهت استواری عقود عمل می کنند (مانند اصل لزوم و صحت) و از طرف دیگر ضمانت اجراهایی مانند بطلان، فسخ و عدم نفوذ- که مصالح افراد را در مواجهه با این اصول تضمین می کنند - حقوقدان را به تفکر و اندیشه وا می‌دارد که مجرای هریک و دلایل عقلی بر انتخاب این مجرا رابیابد وتعارض بین مصالح اجتماعی وفرد را تا حد ممکن با عقل و اصول حقوقی منطبق سازد. یکی از عوامل بروز این تعارض، اشتباه طرفین عقد است. گاه پیش می‌آید که طرفین عقد یا یکی از آنها درعقد دچار اشتباه شده، تصوری نادرست از موارد مختلف عقد در ذهن می‌پرورانند. چنین اشتباهی می‌تواند در ماهیت، سبب، غرض، طرف و بالاخره موضوع عقد رخ دهد.

واژه‌های کلیدی: اشتباه، عقد، عدم نفوذ، بطلان، طرفین معامله

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

مقدمه

برای بحث دربارهٔ اشتباه بهتر است ابتدا مادهٔ ۱۹۰ قانون مدنی را مطالعه نمود چون در این ماده از شرایط اساسی صحت معامله صحبت شده و بند اول آن قصد و رضای طرفین معامله را یکی از شرایط دانسته است. برای انعقاد هر عقدی طرفین باید قصد و رضا یعنی اراده داشته باشند و آنها نه فقط بایستی اراده خود را بصورت ایجاب و قبول اظهار دارند بلکه رضای طرفین باید موجود باشد. در مورد قصد باید دانست که قصد یا موجود است و یا معدوم. بدیهی است که در صورت عدم وجود قصد، معامله باطل خواهد بود ولی رضا ممکن است موجود و در عین حال معلول باشد. طبق مادهٔ ۱۹۹ قانون مدنی، موجبات معلول بودن رضا دو امر است: اکراه- اشتباه. این ماده فقط اکراه و اشتباه را موجب عدم نفوذ دانسته است. البته با مطالعهٔ مواد ۴۱۶ و ۴۳۹ قانون مدنی به این نتیجه میرسیم که تدلیس و غبن نیز در نفوذ معامله بی‌تأثیر نیست. منتهی فقط به مغبون حق فسخ می‌دهد. ولی جای بحث فقط در اشتباه است. زیرا قانون صراحت دارد که اشتباه موجب عدم نفوذ معامله است. پس این را به عنوان یکی از موارد عیوب اراده مورد بحث قرار می‌دهیم.

اشتباه واقسام آن

واژه اشتباه در زبان حقوقی در زبان حقوقی معنی محدودتری دارد. اشتباه را نویسندگان حقوق مدنی چنین تعریف کرده‌اند:

«اشتباه تصور نادرستی است که انسان از حقیقت پیدا می‌کند.»[1] و یا:

«تصور غلطی است که انسان از شیئی می‌کند.»

در کتب عربی اشتباه را غلط می‌نامند. فقهای اسلامی اشتباه را تحت عنوان خطاء، جهل و نسیان نامیده‌اند.

در حقوق ایران اشتباه را از نقطه نظر درجهٔ تأثیر آن در عقد تقسیم بندی کرده‌اند. یعنی اقسام اشتباه را اشتباه مؤثر و غیرمؤثر در عقد دانسته‌اند و اشتباه مؤثر را گاهی موجب بطلان و گاهی موجب عدم نفوذ معامله محسوب داشته‌اند.

طبق نظر موسوم (در کتب عربی) اشتباه بر سه نوع است:

۱- «اشتباهی که موجب بطلان عقد است که آنرا اشتباه مانع نامیده‌اند.»

۲- «اشتباهی که بطور نسبی موجب بطلان عقد است (قابل بطلان).»

۳- «اشتباهی که تأثیری در صحت عقد ندارد.»

اشتباه نوع اول را در سه مورد دانسته‌اند:

«اول در ماهیت عقد- دوم در مورد معامله- سوم در سبب معامله. دکتر السهنوری در کتاب خود اشتباهی را که هنگام پیدایش اراده صورت نگرفته و اراده را معیوب نمی‌سازد ولیکن به هنگام نقل آن صورت بگیرد

۱- کاتوزیان، دکتر ناصر، ۱۳۹۲، دوره مقدماتی حقوق مدنی، جلد اول، دانشکده علوم اداری و مدیریت بازرگانی، . ص ۲۰۸.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

یعنی ارادهٔ حقیقی با ارادهٔ انسانی متفاوت داشته باشد اشتباه در نقل نامیده است. و نوع دیگر اشتباه را که بهنگام تفسیر اراده صورت می‌گیرد، اشتباه تفسیری دانسته است.

تفاوت بین اشتباه متقابل و اشتباه یک جانبه:

تشخیص بین این دو اشتباه است. اگرچه مسئله‌ای که در این دو مطرح می‌شود شبیه می‌باشد. لیکن روش رسیدگی تفاوت دارد.

اگر اشتباه متقابل عنوان شود رسیدگی قضائی جنبهٔ موضوعی داشته ولی اگر اشتباه یک جانبه عنوان شود رسیدگی جنبهٔ شخصی خواهد داشت. [۲]

آثار اشتباه

اشتباه در معامله گاهی موجب بطلان و گاهی نیز موجب عدم نفوذ عقد می‌باشد و در بعضی موارد نیز به مشتبه حق فسخ می‌دهد و گاهی نیز موثر در عقد نبوده و حقی برای طرف ایجاد نمی کند. در مورد اثر اشتباه متقابل و یک جانبه درکا من لوو انصاف باید افزود که اشتباه متقابل در کا من لوفی النفسه موجب بی اعتباری قرارداد نمیشود. دادگاه به این مسئله رسیدگی کرده و تصمیم می‌گیرد و برای اخذ تصمیم به نیات طرفین توجه نمی‌کند چون از این جهت در هر حال رضایت واقعی وجود ندارد. دادگاه شخص ثالث معقولی را در نظر می‌گیرد و می‌بیند که آیا شخص مزبور از رفتار آنان چه استنباطی کرده و توافق آنها را به چه معنی گرفته است. قاضی بلاک برن میگوید: اگر کسی هر قصدی که داشته باشد طوری رفتار کند که یک شخص ثالث معقول چنین پندارد که او با شرایط طرف دیگر موافق میباشد این شخص با چنین رفتارش متعهد خواهد بود و معامله بقوت خود باقی خواهد ماند. بنابراین در چنین حالتی دادگاه با وجود یک اشتباه مهم قرار داد را نسبت به طرفین الزام‌آور خواهد شناخت و قرارداد صوری به قوت خود باقی میماند. در سیستم انصاف نیز قرارداد صرفاً باستناد اشتباه متقابل فاقد اثر نمی‌باشد بلکه دادگاه درباره مفهوم تعهد تصمیم گرفته و به طرف هم حق فسخ نمیدهد و انصاف از این جهت از قانون پیروی می‌کند.

اشتباه یک جانبه که اغلب به صورت اشتباه در شخصیت می‌باشد در کامن لو در صورتی موجب بی‌اعتباری قرارداد است که مدعی اشتباه برای رهائی از تعهدی که کرده مسائلی را ثابت کند که در بحث مربوط در اشتباه در شخصیت خواهد آمد.

اگر اشتباه یک جانبه در شرایط اساسی معامله باشد موجب بی اعتباری قرارداد خواهد بود.

دادگاه‌های انصاف به پیروی از قانون این اشتباه را موجب بطلان قرارداد نمی‌داند لیکن دادگاه در رسیدگی به دعوی از صدور حکم الزام به انجام تعهد خودداری می‌کند یعنی بدین ترتیب متعهد مجبور به انجام تعهد نمی‌شود. [۳]

۲- جعفری لنگرودی، دکتر محمد جعفر، دائره المعارف حقوق مدنی و تجارت، جلد اول، چاپ مشعل آزادی، ۱۳۵۷. ص ۱۹۴.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

اشتباه در صورتی از عیوب رضا محسوب می‌شود که دارای دو شرط باشد:

ــ در صورتی که ثابت شود که اگر طرفی که اشتباه کرده به حقیقت واقف بود، آن معامله را انجام نمیداد.

اشتباه باید در قصد مشترک طرفین مؤثر باشد.

ــ اشتباه باید در امری باشد که عرفاً از صفات اساسی عقد باشد یا یکی از طرفین آن صفت را اساسی اعلام کند و معامله بر مبنای آن واقع شود.

بنابراین با جمع این شرایط است که اشتباه مؤثر در عقد واقع میش.

موارد اشتباه

۱- اشتباه در نوع معامله (ماهیت عقد):

این نوع اشتباه در صورتی است که طرفین توافق در اراده نداشته باشند بعبارت دیگر بین آنها اتفاق نظر در ایجاب و قبول وجود نداشته باشد. مطابق مادۀ ۹۴ ق. م. باید توافق بین اراده طرفین وجود داشته باشد والا معامله باطل خواهد بود.

مثلاً وقتی‌که موجب قصد بیع داشته و قابل، به تصور هبه قبول کرده است. طبق عقیده مرسوم (در کتب عربی) اشتباه در ماهیت عقد از انواع غلط مانع بوده و موجب بطلان معامله می‌باشد چنانکه عقد قرض را طرف دیگر هبه تلقی کند در این صورت نه عقد قرض و نه عقد هبه واقع نمی‌شود و معامله باطل خواهد بود.[۴]

در کامن لو اشتباه در نوع عقد را می‌توانیم با توجه به تعریف اشتباه متقابل از مصادیق این نوع اشتباه بدانیم. زیرا در تعریف آن گفته شد که طرفین به قصد یکدیگر پی نمی برند و این نوع اشتباه موجب بطلان معامله است. استدلالات فوق به نظر منطقی می‌رسد چون همانطور که بررسی شد هیچگونه توافقی بین قصد طرفین نبوده و معامله فاقد یکی از ارکان عقد (قصد مشترک) می‌باشد.

۲- اشتباه در موضوع معامله:

مادۀ ۲۰۰ ق. م می‌گوید:

«اشتباه وقتی موجب عدم نفوذ معامله است که مربوط به خود موضوع معامله باشد. منظور از خود موضوع معامله چیست؟ دربارۀ مفهوم خود موضوع معامله اختلاف نظر هست.

۳- جوان، موسی، ۱۳۹۲، مبانی حقوق، جلد (۲)، چاپ رنگین. ص ۲۳۰.

۴- شهیدی، مهدی، ۱۳۸۹، حقوق مدنی «اصول تشکیل قراردادها و تعهدات»، جلد اول، چاپ اول، نشر حقوقدان، ص۵۲

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

عقیده مرسوم اینست که در برابر خود موضوع معامله، اوصاف مورد معامله قرار گرفته و اشتباه فقط در صورتی مؤثر است که در خود موضوع معامله باشد و اشتباه در اوصاف معامله تأثیری در صحت عقد ندارد.

یک عقیده: منظور از ماهیت دو امر است. اول ماده ای که مورد معامله از آنست. دوم ماده و تمامی صفات مختلفه مورد معامله. اگر ماده‌ای که مورد معامله از آن است علت عمدهٔ باشد و مورد معامله از آن ماده نباشد معامله باطل است. یعنی « ما قصد لم یقع و ما وقع لم یقصد. »

ولی هرگاه ماده مزبور جنبه فرعی داشته باشد عقد صحیح است. در مورد اوصاف، اگر اشتباه در وصفی از اوصاف باشد و آن وصف اگرچه علت منحصر در انعقاد معامله باشد نمی‌تواند موجب بطلان معامله بشود زیرا وصف نمی‌تواند مستقلاً موضوع قصد انشاء قرارگیرد. در این صورت عقد صحیح است و حق فسخ هم بوجود نمی‌آید ولی هرگاه وصف منظور، مورد شرط در ضمن عقد قرار گیرد تخلف از آن حق فسخ به مشروط له می‌دهد.

عقیده دیگر: هر مال عبارت است از مجموعه اوصافی که آنرا از سایر اشیاء ممتاز می‌گرداند باید دید که کدامیک از صفات موضوع معامله با ماهیت آن آمیخته و جنبهٔ اصلی و اساسی دارد و کدامیک فرعی است و با تغییر آن موضوع معامله دگرگون نمی‌شود یعنی باید دید که طرفین به کدامیک از آن صفات توجه داشته‌اند زیرا همین صفت است که در نظر آنان ماهیت خاص مورد عقد است و آنرا از سایر اشیاء ممتاز می‌گرداند.

در این باره دو مکتب وجود دارد:

۱- مکتب مادی یا موضوعی: به موجب این مکتب صفات اساسی مورد معامله را عرف تعیین می‌کند.

۲- مکتب شخصی: در این مکتب صفت اساسی مورد معامله را قصد طرفین تعیین می‌کند درنتیجه در مکتب مادی اگر اشتباه در موضوع معامله صورت عرفی آن را تغییر دهد اشتباه در خود موضوع معامله محسوب میشود. ولی در مکتب شخصی اشتباه در صورتی مؤثر بوده و اشتباه در خود موضوع معامله تلقی می‌شود که برخلاف شرایطی باشد که طرفین برای موضوع معامله آنرا اساسی دانسته‌اند.

و اکنون می‌خواهیم ببینیم که اثر اشتباه در خود موضوع معامله چیست. در ماده ۲۰۰ ق. م گفته شده که موجب عدم نفوذ معامله است و آقای دکتر امامی نیز با این نظر موافق‌اند و به نظر ایشان بنا بر ظاهر دو ماده ۱۹۹ و ۲۰۰ ق. م مخصوصاً عبارت «مربوط به خود موضوع معامله» در مادهٔ اخیرالذکر، هرگاه اشتباه نسبت به ماهیت موضوع معامله باشد اراده معلول است و عقد غیرنافذ می‌باشد و کسیکه اشتباهاً معامله نموده می‌تواند آ نرا تنفیذ نماید.

در حالیکه عقیده بعضی عقیده بعضی از نویسندگان بر این است که اشتباه در خود موضوع معامله موجب بطلان آن است نه عدم نفوذ و قانون مسامحه در تعبیر نموده. چون در صورت اشتباه در موضوع معامله،

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

نفوذ آن با اجازهٔ لاحق حاصل نمیشود بلکه اگر طرفین معامله بخواهند رفع اشتباه کنند باید عقد جدیدی نسبت به موضوع جدید واقع سازند. [۵]

در تأئید این عقیده به مواد ۷۶۲ و ۳۵۳ ق. م میتوان استناد کرد. در ماده ۷۶۲ گفته شده که اگر در طرف مصالحه و یا در مورد صلح اشتباهی واقع شده باشد صلح باطل است. با توجه به این ماده باید گفت چه فرقی است بین صلح و سایر عقود و دلیلی هم وجود ندارد که صلح را از سایر عقود مستثنی نمائیم. در نتیجه همان طوریکه در مورد صلح اشتباه موجب بطلان معامله است پس در سایر عقود نیز باید موجب بطلان باشد. و ماده ۳۵۳ نیز شاهدی است برای بطلان معامله نه عدم نفوذ آن. و بالاخره در مورد خود موضوع معامله می‌شود گفت که اشتباه در رضا نبوده تا موجب عدم نفوذ معامله گردد بلکه در قصد بوده لذا چنین نتیجه می گیریم که اشتباه در خود موضوع معامله موجب بطلان معامله است.

در حقوق ما فقط صحبت از «خود موضوع معامله» می‌باشد لیکن فقهای اسلامی اشتباه در مورد معامله را از دو جهت بررسی کرده‌اند:

الف: اشتباه در جنس که همان غلط مانع بوده و موجب بطلان عقد است.

ب: اشتباه در اوصاف. یعنی اگر مورد معامله اوصاف مورد نظر را فاقد باشد معامله باطل و غیرنافذ نخواهد بود لیکن فقط به خریدار (مشتبه) حق می‌دهد و این را خیار وصف مینامند.

اشتباه در «وجود موضوع معامله» را نیز در سیستم کامن لو و انصاف و همینطور طبق عقیده مرسوم (در کتب عربی) و در حقوق عراق موجب بطلان معامله دانسته‌اند مثلاً اگر شخصی اتومبیلی بفروشد و سپس معلوم شود که اتومبیل قبل از معامله از بین رفته است چنین معامله‌ای بعلت عدم وجود موضوع معامله باطل خواهد بود.

۳- اشتباه در شخص طرف معامله:

ماده ۲۰۱ ق. م می گوید: «اشتباه در شخص طرف به صحت معامله خللی وارد نمی‌آورد مگر در موردیکه شخصیت طرف علت عمدهٔ عقد بوده باشد.»

در چه مواقعی شخصیت طرف علت عمده عقد است؟ آیا میتوان عقود را از این حیث تقسیم کرد؟ بدیهی است که منظور قانون بیشتر به اراده و قصد طرف معامله بوده است چون قانون فقط در صورتی اشتباه را موجب بطلان معامله می‌داند که به اراده شخص خللی وارد سازد. بنابراین اگر ارادهٔ طرف معامله متوجه شخص بخصوصی بوده و به اعتبار شخصیت او تصمیم به انعقاد معامله بگیرد، در چنین صورتی است که اشتباه معامله را باطل خواهد ساخت یعنی اگر طرف معامله دارای آن شخصیت نبود معامله را منعقد نمی‌کرد. زیرا اراده طرفین در درجهٔ اول مورد نظر می‌باشد و بطورکلی نمی‌شود باین اعتبار عقود را تقسیم

۵- عدل، مصطفی، ۱۳۹۲، منصور السلطنه، حقوق مدنی، چاپ هشتم، چاپخانه گلشن، ص۹۶

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

کرد. با این حال طبق نظر آقای دکتر کاتوزیان وقتی مسئله را در مورد عقود معوض و مجانی بررسی می کنیم باین نتیجه می‌رسیم که در عقود مجانی همیشه شخصیت طرف محرک اصلی و علت عمدهٔ عقده میباشد. زیرا بخاطر شخصی که طرف معامله است عقد واقع می‌شود و شخص حاضر می‌شود از منافع خود به نفع طرف خود بگذرد. درحالیکه در عقود معوض قصد هرکس بردن سود است و شخصیت چندان اهمیتی ندارد.[۶]

و اما در موردی که شخصیت طرف علت عمدهٔ عقد باشد و اشتباهی رخ دهد آیا موجب بطلان عقد است یا عدم نفوذ آن؟. مادهٔ ۲۰۱ ق. م. می گوید:

«چنین اشتباهی به معامله خلل وارد می‌سازد» و اما آیا منظور از وارد ساختن خلل بطلان است یا عدم نفوذ معامله؟

در این مرود بین نویسندگان حقوق مدنی ایران اختلاف است.

آقای دکتر امامی و آقای دکتر کاتوزیان عقیده دارند که این اشتباه موجب بطلان معامله خواهد بود. زیرا چنین اشتباهی در قصد و ارادهٔ مشتبه اثر قاطع داشته و آنچه که او قصد نموده در خارج بوجود نیامده است.

در حالیکه برخی دیگر از نویسندگان از جمله دکتر عدل و استاد بروجردی عبده آن را موجب عدم نفوذ معامله می‌دانند و عقیده دارند که اشتباه در آن موجب معلول بودن رضا و عدم نفوذ معامله است و در نتیجه با اجازه لاحق مشتبه، معامله صحیح خواهد بود.

مطابق ماده ۱۲۱ ق. م. مصر نیز اشتباه در شخص طرف معامله در صورتی که شخصیت او و یا صفتی از صفات او علت عمده و اساسی عقد باشد مؤثر در عقد می‌باشد.

در کامن لو اغلب اشتباه در شخصیت به صورت اشتباه یک جانبه بوده و وقتی چنین اشتباهی صورت بگیرد درنتیجه بین پیشنهاد و قبول تطابقی وجود نداشته و از نظر کامن لو قراردادی وجود نخواهد داشت. با وجود این وجود خارجی قرارداد فراموش ندشه و فرض قابل اجرا در این نوع دعاوی علیرغم وجود اشتباه این است که قراردادی بین طرفین منعقد شده است و بار اثباث اشتباه بعهده کسی است که مدعی آن می‌شود و برای اینکه ادعای مشتبه ثابت شده و اشتباه موثر تلقی شود باید ثابت کند که:

ـ او قصد انعقاد قرارداد با شخص مزبور نداشت.

ـ طرف قرارداد از قصد او آگاه بوده.

ـ به شخصیت طرف قرارداد بعنوان یک موضوع بسیار مهم توجه داشته.

ـ و بالاخره اقدامات معمولی برای ثابت کردن و معلوم کردن شخصیت طرف بعمل آمده است.[۷]

۶- عابدیان، دکتر میرحسین، ۱۳۹۲، شروط باطل و تأثیر آن در عقد، چاپ اول، ققنوس، ص ۲۱۱.

۷- کاتوزیان، دکتر ناصر، ۱۳۹۲، تحولات حقوق خصوصی، مجموعه مقالات اهدائی به استاد سید حسن امامی، انتشارات دانشگاه تهران، شماره ۱۲۷۲، ص۸۹

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

فرع دیگر: در صورتی که شخصیت طرف معامله علت عمده عقد نباشد: در چنین صورتی اشتباه هیچ گونه تأثیری در صحت عقد نخواهد داشت. بدلیل اینکه مقصود طرفین صرفاً انعقاد قراداد بدون توجه به شخصیت طرف می‌باشد.

در این قول کلیه نویسندگان حقوق مدنی اتفاق نظر دارند.

٤- اشتباه در قیمت مورد معامله:

اشتباه در قیمت وقتی است که یکی از طرفین قیمت مورد معامله را کمتر یا بیشتر تصور کند و معامله را بر مبنای آن واقع ساخته باشد. در مورد اثر اشتباه در قیمت اختلاف نظر هست. در قانون مدنی ایران نص صریحی در این مورد وجود ندارد.

بعقیده یکی از نویسندگان حقوق مدنی ایران، این اشتباه موجب بطلان عقد نبوده و در ضمن بدون تأثیر نیز نمی‌باشد و با توجه به ماده ۲۰۰ ق. م. اشتباه در خود موضوع معامله موجب عدم نفوذ معامله میشود پس می‌توان نتیجه گرفت که چون قیمت موضوع معامله از اوصاف آن محسوب می‌شود بهمین جهت درجائیکه قیمت آن از اوصاف عمدهٔ آن باشد، موجب عدم نفوذ است آن چنانکه اگر مشتبه در حین عقد مطلع بر آن می شد اقدام به عقد نمی نمود.

در حالیکه برخی دیگر از نویسندگان حقوق مدنی اشتباه در قیمت را از موارد غبن دانسته و با شرایط مندرج در مادهٔ ۴۱۶ ق. م. مشتبه خیار غبن خواهد داشت و بهیچوجه نمی توان آنرا موجب بطلان یا عدم نفوذ آن دانست.

طبق نظریه مرسوم اشتباه در قیمت هیچ گونه تأثیری در صحت معامله نداشته و حتی این اشتباه موجب خیارغبن نخواهد بود. [۸]

٥- اشتباه در جهت یا علت معامله:

منظور از جهت معامله، علت وجود تعهد است و اشتباه در جهت معامله موجب بطلان آن خواهد بود. مثلاً اگر وراث شخصی قراردادی با موصی لهم راجع به تقسیم مال مشاعی منعقد سازند و سپس ثابت شود که وصیت باطل بوده، درنتیجه چنین قراردادی باطل خواهد بود. زیرا علت و جهت آن، همان وصیت بوده که باطل می‌باشد.

در اینجا بهتر است که نکته‌ای بهتر است که نکته ای را یادآوری نمود و آن این است که بعقیده آقای دکتر کاتوزیان اگر به مسئله اشتباه در خود موضوع معامله و یا اشتباه در شخصیت طرف در صورتی که علت عمده عقد باشد توجه کنیم در می یابیم که درواقع همان اشتباه در جهت معامله همان خود موضوع و یا شخصیت طرف بوده است درنتیجه اشتباه در آنها موجب بطلان عقد است.

۸- کاتوزیان، دکتر ناصر، ۱۳۸۹، حقوق مدنی «قواعد عمومی قراردادها»، جلد (۱، ۲، ۳، ۴)، چاپ چهارم، انتشارات بهمن برنا، ص ۳۰۱.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

٦- اشتباه در انگیزه یا داعی

انگیزه امری است که شخص را به انعقاد قرارداد وادار می‌سازد. مثلاً کارمندی به این تصور که به شهری منتقل می‌شود در آن شهر خانه‌ای اجاره می‌نماید و سپس چنین انتقالی صورت نمی‌گیرد، عقد اجاره بطور صحیح واقع شده و اشتباه او تأثیری در صحت معامله نخواهد داشت.

آقای دکتر امامی نیز در توجیه این مسئله معتقدند که چون داعی قبل از انعقاد قرارداد حاصل شده، درنتیجه نمی‌تواند در عقدی که بعداً واقع شده تأثیری نماید.

علاوه بر آن داعی یکی از طرفین عقد که طرف دیگر هیچ گونه اطلاعی نوعاً از آن ندارد نمی‌تواند در عقد تأثیر داشته و آنرا باطل نماید.

دکتر عدل نیز فرعی را پیش‌بینی کرده‌اند و آن اینست که اگر داعی شخصی در خود عقد بعنوان شرط وقوع ذکر شده و اشتباهی در آن صورت گیرد به عقد خلل وارد می‌سازد.

بطلان قرارداد بواسطه اشتباه

ازمقدمات قصد انشاء تصور وجود خارجی در ذهن است که در واقع قصد انشاء معلول تصور بوده، البته تصوری که منطبق با واقع باشد نه خلاف واقع، اشتباه آن تصور خلاف واقعی است که قبل از قصد انشاء در ذهن متصور می‌گردد و سبب می‌شود تا شخص باهمان تصوری که دارد مبادرت به انجام عمل حقوق نماید عملی که به هیچ وجه خواهان آن نبوده (ماقصد لم یقع و ماوقع لم یقصد) تصور خلاف واقع گاهی نسبت به وجود و مفاد قانون می‌باشد: مانند اینکه تصور می کرد معامله با مجانین درصورت رضای ولی نافذ است و گاهی نسبت به موضوع قرارداد بوده. اشتباه اولی به جهت اینکه باعتبار و ضرورت اجرای همگانی قانون منافات دارد چندان مورد قبول واقع نشده هر چند درمواردی که اینگونه اشتباهات تمام شرایط اشتباه در موضوع قرارداد ممکن است پیرامون جنبه های مختلف آن باشد که عبارتند از اشتباه درموضوع قرارداد ممکن است پیرامون جنبه های مخلتف آن باشد که عبارتند از اشتباه در نوع عقد، اشتباه در موضوع معامله اعم از خود موضوع یا معامله یا ارزش آن، شخصیت طرفین، اشتباه درجهت وغرض.

اشتباه درنوع عقد: یا اشتباه در ماهیت عقد آن تصور خلاف واقع است که شخص از ماهیت عقدی که منعقد می‌نماید دارد؛ مثل اینکه کسی به دیگری پول قرض بدهد و او بگمان همه آن را بگیرد که در این صورت آن تطابقی که بین ایجاب و قبول نیاز است وجود نخواهد داشت.

اشتباه درموضوع معامله: گاهی اشتباهی راجع به صورت عرفیه موضوع معامله و گاهی راجع به عوارض آن می باشد. اشتباهات راجع به صورت عرفیه موضوع معامله یعنی مورد معامله ای که درعامل

۹- کاتوزیان، دکتر ناصر، ۱۳۹۴، عقود معین، مشارکتها و صلح، عطایا، انتشارات بهنشر، ص۱۰۲

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

خارج وجود دارد با آنچه درقصد انشاء ابراز شده مغایر می‌باشد. مثل اینکه کفش مردانه را بجای کفش زنانه بخرد.

به سخن دیگر، آنچه که مورد تعهد و تملیک قرار گرفته با آنچه که مورد قصد انشاء بوده منافات دارد که قانون مدنی درماده ۲۰۰ تعبیر به «خودموضوع معامله» می‌نماید. اینکه چه چیزی ماهیت موضوع معامله (خود موضوع معامله) را تشکیل خواهد داد اختلاف سلیقه وجود دارد.

برخی معتقدند که خود موضوع معامله در برابر اوصاف آن قراردارد. زیرا اشتباه نسبت به وصفی از اوصاف مورد معامله حتی اگر وصف علت منحصر در انعقاد معامله باشد، هرگز نمی‌تواند مستقلاً موضوع قصد انشاء قرار گیرد و درنفوذ عقد اثری داشته باشد. نتیجتاً خود موضوع معامله مفهومی دیگر از اوصاف عقد می‌باشد. درمقابل برخی دیگر معتقدند؛ آنچه ماهیت موضوع معامله را تشکیل می‌دهد اوصاف عمده واساسی مورد معامله می باشد که با فقد آن «خود موضوع معامله» تغییر می‌یابد.

پس بر اساس این نظریه اشتباه در خود موضوع معامله هنگامی تحقق پیدا می‌کند که در وصف موضوع، وصفی که در نظر متعامل اصلی است و او را به انجام قرارداد واداشته است، اشتباره روی داده باشد. بنابراین اگر کسی مالی بخرد به تصور اینکه عتیقه است و بعد آشکار شود که جدید بوده است معامله به علت اشتباه درخود موضوع باطل است. بدین سان کلمه «سوبستانس» مفهوم شخصی پیدا می‌کند و به «وصف اساسی» موضوع تعبیر می‌شود.[۱۰] با پذیرش آن در پاره‌ای موارد حکم به بطلان قرارداد داده می‌شود درحالی که در همان موارد براساس نظریه نوعی قرارداد باطل نمی‌گردد.

این نظریه نیز قابل ایراد بنظر می‌رسد چرا که باعث تزلزل و عدم استحکام در روابط معاملاتی طرفین می گردد. زیرا اگر قرار باشد هر وصفی برای یکی از طرفین اساسی باشد بدون اینکه طرف مقابل از آن آگاه باشد، بعداً می‌تواند ادعا نماید که فلان وصف را مد نظر داشته است و به استناد آن قرارداد را باطل کند و لذا عادلانه نیست که بطلان را به طرفی که از غرض خریدار آگاهی نداشته است تحمیل کنیم.

درجهت تعدیل دو نظر فوق عده‌ای ملاک و معیار اشتباه را نظر عرف دانستند و هر وصفی را که از نظر عرف اساسی است اشتباه در آن نیز در نفوذ عقد موثر می‌باشد. تفاوت این نظریه با نظریه حقوق رم در این است که اشتباه موثر را محدود به اشتباه در ماده مورد معامله نمی‌کند و یک عامل فکری و ارادی را در نظر می‌گیرد. لیکن این فکر و اراده متعاملین نیست بلکه فکر و اراده فرضی آنها برحسب عرف و عادت است. این عقیده نیز چندان با واقعیت منطبق نمی باشد چرا که بسیار اوصافی هستندکه ازنظر عرف اساسی تلقی میگردد درحالی که طرفین اصلاً هیچگونه اهمیتی برای آن قائل نبوده اند.

بنابراین درمجموع می‌توان گفت هر شی دارای یک دسته «اوصاف اصلی یا ذاتی» یا به قول فقها «اوصاف جوهری» می‌باشد که جدای از اوصاف فرعی می‌باشد و جزء ذات شی تلقی می‌گردد و هیچگاه نباید ذات یک شی را با اوصاف آن دانست. زیرا ماهیت و ذات یک شیء را با اوصاف آن اشتباه کرد و آن را

۱۰- درودیان، حسنعلی، ۱۳۸۹، تقریرات دروس حقوق مدنی (۳)، دانشکده حقوق وعلوم سیاسی دانشگاه تهران، ص۸۵

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

مجموعه‌ای از اوصاف آن دانست. زیرا ماهیت و ذات یک شیء عرفاً هویت آن شی را تشکیل می‌دهد که شی با آن معرفی می‌شود و از شی قابل جداشدن نیست. درحالی که اوصاف شیء ازامور خارج از ذات است و درمعرض شی دخالت ندارد.[۱۱] مثلاً ذات گندم با عنوان (گندم) معرفی می‌شود درحالی که دیمی یا آبی بودن جزء اوصاف آن است. بدین ترتیب، هرگاه اشتباه در این گونه اوصاف رخ دهد چون مانع تأثیر قصد می‌باشد قرارداد به جهت فقدان قصد فاقد اعتبار می‌باشد. درخصوص ملاک فرعی یا اصلی بودن اوصاف یک قرارداد نه اراده متعاقدین را به تنهایی می‌تواند مورد توجه قرار دهد و نه اینکه عرف می‌تواند معیار متناسبی ارئه دهد چه اینکه گرایش به هریک از آنها نافی برخی موضوع در دیگری است بلکه در هر یک از موارد دادرس باید براساس اوضاع و احوال، نوع عقد و نظر متعاقدین احراز گردد که آیا این وصف جزء ذات قرارداد یا اوصاف جوهری می‌باشد یا نه جزء اوصاف فرعی است. که اشتباه در آن تأثیری در نفوذ قرارداد ندارد. این نکته مورد توجه برخی از فقها نیز بوده است.

اشتباه در شخصیت طرفین:

دربرخی قراردادها شخص ممکن است در هویت طرف مقابل اشتباه کرده باشد که در اینصورت اشتباه ممکن است به سه صورت اتفاق بیفتد.

۱- اشتباه درهویت مادی: بدین صورت که در مجموع اوصاف و خصوصیات شخصی طرف مقابل اشتباه صورت می گیرد.

۲- اشتباه درهویت مدنی: که ناپلئون بناپارت آنرا اشتباه راجع به خانواده نامیده است بدین صورت که در احوال شخصی طرف مقابل یعنی نام و نسب اشتباه رخ دهد.

۳- اشتباه در اوصاف اساسی: در این فرض، طرف قرارداد از نظر مادی و حقوقی همان است که مورد نظر بوده ولی عقد به ملاحظه وجود صفتی در او بسته شده که در واقع دارا نبوده است.

٤- اشتباه درجهت و غرض: گاهی اوقات ممکن است اشتباه در هدفی رخ دهد که اراده انجام عمل حقوقی برای تحقق آن بوده است؛ به عنوان مثال شخصی بتصور اینکه مهمانش بوعده خود وفا نموده و نهارپیش او خواهد آمد غذائی می خرد ولی وقتی که به منزل می‌رسد به او خبر می‌دهند که مهمان از حضور درنهار معذرت خواسته است.

بطور کلی اشتباهات فوق در صورتی موثر می‌باشند که قلمرو تراضی قرار بگیرند بدین معنا که هر یک از طرفین از اعتقاد دیگری اطلاع داشته باشند یا حداقل طرف دیگر علم به اشتباه طرف داشته باشد یا اوضاع و احوال طوری باشد که مبین تصور خلاف واقع طرف باشد و الااشتباه یک طرف در عقد تأثیر ندارد. چه اینکه نمی‌توان سرنوشت عقد را تابع هدف‌های خصوصی و دور از ذهن طرف مقابل ساخت ولی جهت طرفی را که از اشتباه مطلع نبوده به طول ناگهانی مورد ظلم و اجحاف قرار داد. موید همین مطلب ماده ۲۱۷

۱۱- محقق داماد، دکتر سید مصطفی، ۱۳۹۲، قواعد فقه، بخش مدنی، چاپ سوم، انتشارات سمت، ص ۱۷۰.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

و ماده ۳۵۳ ق. م می‌باشد که مقرر می‌دارد؛ «هرگاه چیزی معین به عنوان جنس خاص فروخته شود و درواقع از آن جنس نباشد باطل است...» [۱۲]

درحقوق کامن لانیز اشتباه راجع به هویت در صورتی موجبات بطلان قرار داد را فراهم می‌نماید که:

اولاً: هویت طرف مقابل باید از اهمیت اساسی برخوردار باشد.[۱۳]

ثانیاً: طرف اشتباه کننده باید قصد انعقاد قرارداد با شخص معین را داشته باشد.

ثالثاً: طرف مقابل باید نسبت به اشتباه آگاه باشد.[۱۴]

رابعاً: اقدامات لازم را برای احراز هویت طرف خودانجام داده است.

درحقوق ایران مقنن نسبت به ضمانت اجرای ناشی از اشتباه موضع متفاوتی اتخاذ نموده بدین صورت که در ماده ۱۹۹ قانون مدنی رضای حاصل از اشتباه یا اکراه را نافذ ندانسته و در ماده ۲۰۰ ق. مدنی اشتباه مربوط به خود موضوع معامله را موجب عدم نفوذ قرارداد تلقی نموده بعلاوه در ماده ۲۰۱ اعلام نموده اشتباه زمانی به صحت معامله خللی وارد می‌کند که شخصیت طرف علت عمده عقد باشد. بدین ترتیب با ملاحظه مواد فوق و مواد دیگر قانون مدنی (۳۵۳، ۳۵۵[۱۵]، ۷۶۲[۱۶]، ۷۶۵[۱۷])[۱۸] بدون شک نمی‌توان گفت که آیا اشتباه موجب بطلان قرارداد می‌باشد یا عدم نفوذ یا اینکه اشتباه اصلاً تاثیری درصحت قرارداد ندارد؟ حقوقدانان نیز در این خصوص نظر یکسانی ندارند عده‌ای قرارداد ناشی از اشتباه را باطل می‌دانند.[۱۹] در این خصوص معتقدند که حمل مواد ۱۹۹، ۲۰۰ و ۲۰۱ قانون مدنی بمعنی بطان از جهات ذیل موجه نیست: «**اولاً:** مدلول این مواد سابقه‌ای در فقه ندارد، حال اینکه درقانون مدنی فرانسه سابقه دارد.

ثانیاً: رضای مصطلح در فقه که مغایر باقصد انشاء است با اکراه جمع نمی‌شود زیرا ماده ۱۹۹ قانون مدنی متعرض عنوان «رضای حاصل درنتیجه اکراه» شده و اگر عدم نفوذ درماده ۱۹۹ بمعنی بطلان باشد بناچار باید عقد مکروه مانند عقد ناشی از اشتباه باطل باشد درحالی که عقد مکروه غیرنافذ است»[۲۰]

عده‌ای دیگر معتقدند به عدم نفوذ قرارداد ناشی از اشتباه می باشند؛ بدین استدلال که مواد قانون مدنی، از مواد ۱۱۰۹ و ۱۱۱۰ قانون مدنی فرانسه اقتباس گردیده و با لحاظ اینکه قانون مدنی فرانسه اشتباه در موضوع

۱۲- همان

۱۳- دعوی Cundy V. Lindsay (H. L. ,1878)، صادقی، دکتر میر محمد، همان منبع، ص ۱۴۰.

۱۴- دعوی Boltorn V. Jones (1857)، منبع پیشین، ص ۱۴۳.

۱۵- ماده ۳۵۳: «هرگاه چیز معین به عنوان جنس خاصی فروخته شود و در واقع از آن جنس نباشد بیع باطل است...»

۱۶- ماده ۳۵۵: «اگر ملکی به شرط داشتن مساحت معین فروخته شده و بعد معلوم شود که کمتر از آن مقدار است مشتری حق فسخ معامله را خواهد داشت و اگر معلوم شود بیشتر است بایع می تواند آن را فسخ کند...»

۱۷- ماده ۷۶۲: «اگر در طرف مصالحه و یا در مورد صلح اشتباهی واقع شده باشد صلح باطل است».

۱۸- ماده ۷۶۵:«صلح دعوی مبتنی بر معامله باطله باطل است ولی صلح دعوی ناشی از بطلان معامله صحیح است».

۱۹- امامی، دکتر سید حسن، حقوق مدنی، جلد اول، ص ۱۹۶- کاتوزیان، دکتر ناصر، اعمال حقوقی، شماره ۹۷- صفائی، دکتر سید حسین دوره مقدماتی حقوق مدنی، جلد دوم، ص ۹۹.

۲۰- جعفری لنگرودی، دکتر محمد جعفر، تأثیر اراده در حقوق مدنی، ص ۲۰۸.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

معامله و شخصیت طرف را موجب عدم نفوذ دانسته نه بطلان پس قانون مدنی ما نیز تاب تحمل تفسیری بیشتر از اعلام نفوذ را ندارد.[۲۱]و نهایتاً عده‌ای دیگر اشتباهات را به اشتباه سبب عدم نفوذ تقسیم نموده‌اند. و درهمین گروه دکتر لنگرودی اشتباه را به مبطل عقد و متزلزل کننده عقد تقسیم کرده و آن را در زمره عیوب «رضا» بحث می‌کند. اشتباه در ماهیت عقد، وصف جوهری و سبب عقد در زمره اشتباهاتی مبطل عقد است. اشتباه متزلزل کننده عقد گاه آن را غیرنافذ می‌کند (مانند اشتباه مقرر در مواد ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۰۱ ق. م) و گاه سبب ایجاد خیار فسخ می‌شود (مانند غبن و تخلف از شرط وصف)[۲۲]و ایشان درمورد اشتباه راجع به شخص طرف معامله معتقد است که مواد قانون مدنی تاب دونوع تفسیر را دارد چرا که ماده عام قانون مدنی (یعنی ماده۱۹۹) که بطور کلی هر رضای ناشی از اشتباه را سبب عدم نفوذ عقد دانسته است شامل اشتباه در شخص هم می شود. خصوصاً که لغت خلل در ماده ۲۰۱ قانون مدنی فرانسه است که درآن قانون اشتباه مزبور سبب عدم نفوذ و جهت تأیید مطالب خویش به مفهوم مخالف ماده ۲۰۰ق. م استناد می‌کند.[۲۳]بنابراین به نظر می‌رسد که اشتباه در وضعیت حقوقی قرارداد موثر است منتها درجه تأثیر آنها بصورت یکسانی نمی‌باشد بلکه مواردی که اشتباه سبب فقدان اراده و قصد می‌گردد قرارداد به جهت نبودن یکی از عناصر تشکیل‌دهنده باطل است. ازجمله اشتباه درخود موضوع معامله که ماده ۲۰۰ قانون مدنی نیز موید همین مطلب بوده و کلمه عدم نفوذ در این ماده، در معنای اعم از بطلان و عدم نفوذ به کار گرفته شده است زیرا عقد باطل به یک معنا غیرنافذ و فاقد نفوذ حقوقی می‌باشد.[۲۴]همچنین اشتباه در شخصیت طرفین (اشتباه درهویت جسمانی) در مواردی که علت عمده عقد می‌باشد به جهت آنکه آنچه در خارج واقع شده منطبق با اراده حقیقی طرف قرارداد نیست و مصداق بارز تخلف عقد از قصد است. موید همین مطلب ماده ۲۰۱ قانون مدنی که اصطلاح خلل به معنی بطلان گرفته می‌شود. در مورد اشتباه درجهت قرارداد نیز وضعیت به همین منوال خواهد بود و مواد ۳۵۳ و ۳۵۵و ۳۶۳ نمونه بارزی از ضمانت اجرای اشتباه در جهت می‌باشند.[۲۵]اما درسایر موارد اشتباه موجب بطلان قرارداد نمی‌گردد بلکه بالتبع نوع اشتباه و تأثیر آن در اراده موجبات فسخ یا غیره را فراهم خواهد ساخت. مثلاً اشتباه در اوصاف فرعی.

۲۱- امامی، دکتر سید حسن، حقوق مدنی، جلد چهارم، ص ۴۱ به بعد، قائم مقامی، دکتر عبدالحمید، حقوق تعهدات، جلد دوم، ص ۲۲۷ به بعد، درودیان، دکتر حسنعلی، همان منبع.

۲۲- شهیدی، دکتر مهدی، تشکیل قراردادها و تعهدات، جلد اول، چاپ اول، نشر حقوقدان، تهران ۱۳۷۷، ص ۱۷۴، عدل، مصطفی، همان منبع، شماره ۲۲۸ به بعد، بروجردی عبده، محمد، همان منبع، ص ۱۱۵، ۱۱۶- شایگان، دکتر سید علی، شماره ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۹۲.

۲۳- جعفری لنگرودی، دکتر محمد جعفره، دائره المعارف حقوق مدنی و تجارت، ص ۱۷۰ به بعد، همچنین مولف، تأثیر اراده در حقوق مدنی، ص ۲۰۶

۲۴- شهیدی، دکتر مهدی، تشکیل قراردادها و تعهدات، ص ۱۷۰.

۲۵- امامی، دکتر سید حسن، جلد اول، ص ۲۲۳، قائم مقامی، دکتر عبدالحمید، حقوق تعهدات، جلد دوم، ص ۲۵۰، کاتوزیان، دکتر ناصر، دوره مقدماتی حقوق مدنی، جلد اول، ص ۲۱۲.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

نتیجه گیری

با توجه به مراتب مذکور، سه قاعده کلی را در خصوص اشتباه در موضوع عقد، باید مورد توجه قرار داد:

۱- اشتباهی که به وحدت قصد ومطابقت ایجاب و قبول لطمه زند، مانع تشکیل عقد می‌شود. از آنجا که در چنین حالتی، عقد از ابتدا اصلا به وجود نیامده است، شکی در بطلان آن نیست و جایی برای به کار بردن نظریه اشتباه باقی نمی‌ماند.

۲- اشتباه در اوصاف فرعی موضوع عقد، موجب خیاری شدن عقد می‌گردد، چنین اشتباهی مؤثر در عقد نیست.

۳- اشتباه در جنس یا اوصاف اساسی مورد معامله، به هر علتی از جمله تدلیس، تسامح مشتبه و غیره که رخ دهد، اشتباه مؤثر است. چنین معامله‌ای بر مبنای قاعده "ما قصد لم یقع و ما وقع لم یقصد" باطل است.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

فهرست منابع و مآخذ

ـ جعفری لنگرودی، دکتر محمد جعفر، دائره‌المعارف حقوق مدنی و تجارت، جلد اول، چاپ مشعل آزادی، ۱۳۵۷.

ـ جوان، موسی، ۱۳۹۲، مبانی حقوق، جلد (۲)، چاپ رنگین

ـ درودیان، حسنعلی، ۱۳۸۹، تقریرات دروس حقوق مدنی (۳)، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

ـ شهیدی، مهدی، ۱۳۸۹، حقوق مدنی «اصول تشکیل قراردادها و تعهدات»، جلد اول، چاپ اول، نشر حقوقدان

ـ عابدیان، دکتر میرحسین، ۱۳۹۲، شروط باطل و تأثیر آن در عقد، چاپ اول، ققنوس

ـ عدل، مصطفی، ۱۳۹۲، منصور السلطنه، حقوق مدنی، چاپ هشتم، چاپخانه گلشن

ـ کاتوزیان، دکتر ناصر، ۱۳۸۹، حقوق مدنی «قواعد عمومی قراردادها»، جلد (۱، ۲، ۳، ۴)، چاپ چهارم، انتشارات بهمن برنا

ـ کاتوزیان، دکتر ناصر، ۱۳۹۲، دوره مقدماتی حقوق مدنی، جلد اول، دانشکده علوم اداری و مدیریت بازرگانی

ـ کاتوزیان، دکتر ناصر، ۱۳۹۲، تحولات حقوق خصوصی، مجموعه مقالات اهدائی به استاد سید حسن امامی، انتشارات دانشگاه تهران، شماره ۱۲۷۲

ـ کاتوزیان، دکتر ناصر، ۱۳۹۴، عقود معین، مشارکت‌ها و صلح، عطایا، انتشارات بهنشر

ـ محقق داماد، دکتر سید مصطفی، ۱۳۹۲، قواعد فقه، بخش مدنی، چاپ سوم، انتشارات سمت

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]